

شاخصه‌های انسان دانشگاهی متعهد (استاد دانشگاه) از منظر تربیت اسلامی

جواد پورکریمی *

مریم برهمن **

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین شاخصه‌های انسان دانشگاهی متعهد (استاد دانشگاه) از منظر تربیت اسلامی انجام شده است. بدین منظور، چهار محور اساسی ماهیت، آفرینش، هدف از زندگی و طبیعت انسان در شکل‌گیری نظام‌های مختلف انسان‌شناسی از دیدگاه‌های مختلف و خاصه اندیشه و تربیت اسلامی بررسی شده است. در تربیت اسلامی، به‌ازای شایستگی‌ها و برتری‌های انسانی، تعهداتی نیز بر ذمه وی خواهد بود. وفای به تعهدات، وظیفه و پاسخی در مقابل تفوق‌های نامبرده است. در تربیت اسلامی، انسان متعهد باید علاوه بر دانستن تعهدات، نسبت به آنها با التزامی درونی، عامل باشد. مصادیق تعهد در شاخصه‌های رابطه انسان با خدا، خود، خلق و خلقت جلوه‌گر می‌شود. ذیل هرکدام از روابط یادشده، مؤلفه‌هایی برای انسان متعهد احصا شده است که نشان‌دهنده شاخصه‌های انسان دانشگاهی از منظر تعلیم و تربیت اسلامی است. روش بررسی این مقاله توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: انسان متعهد؛ انسان دانشگاهی متعهد؛ شاخصه‌های انسان دانشگاهی متعهد؛ تربیت اسلامی

* استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

jpkarimi@tu.ac.ir

** نویسنده مسئول: استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

m.brahman@yahoo.com

دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه و بیان مسئله

شناخت انسان و ویژگی‌های او از پیش‌نیازهای اصلی تعلیم و تربیت است. در میان موضوعات علوم انسانی^۱، انسان‌شناسی، ام‌المسائل شمرده می‌شود^۲؛ زیرا انسان، محور و به یک معنا موضوع غالب مسائل انسانی یا مرتبط با آدمی است. دین، علم، عقل، معرفت، اخلاق، هنر، سیاست، مدیریت، جامعه، تاریخ و مفاهیمی از این دست، بدون وجود نوع انسان و حتی تصور او، موضوعیتی ندارند. هر نظریه انسانی و اجتماعی که به نوعی درباره انسان انتخاب‌گر، دست به تبیین و توصیف می‌زند، متکی به مبادی و پیش‌فرض‌هایی انسان‌شناختی است و از رویکرد خاصی در شناخت انسان و تلقی ویژه نسبت به ابعاد انسان بهره می‌برد (فروزنده دهکردی، ۱۳۹۲: ۱۹). انسان‌شناسی در مفهوم کلی عبارت است از هر منظومه معرفتی که به بررسی بعد یا ابعادی از وجود انسان یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد (واثق غزنوی، ۱۳۹۰: ۴۰).

در اندیشه و تربیت اسلامی، انسان دارای جایگاه والا و اصلتی وصف‌نشدنی نسبت به تمام موجودات است. در این منظر، انسان ترکیبی از تن (جسم) و روان (روح) است و در صورت از ملک تا ملکوت امتداد می‌یابد و تأکید بر آنچه باید باشد (ملکوت)، نسبت به آنچه هست (ملک) در آن از اهمیت زیادی برخوردار و دارای کرامتی بی‌مثال است^۳. در تربیت اسلامی انسان به‌عنوان خلیفه خداوند در روی زمین معرفی می‌شود^۴. مقصود از جانشینی خدا این است که انسان، با وجود صفات، کمالات و افعال خود؛ وجود، صفات و کمالات و افعال خدا را ترسیم کند و آینه ایزدی شود. از طرف دیگر، پس از خلقت انسان، از او تکریم و تعظیم خاصی به عمل آمده، دستور سجده بر او به فرشتگان داده می‌شود و انسان، مسجود ملائکه می‌شود^۵. یقیناً چنین فرمانی بی‌جهت و بی‌ملاک صادر نشده است و اگر آدم جایگاه قابل سجده‌ای نداشت، هرگز مورد تکریم و تعظیم

۱. نظیر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی

۲. به اعتقاد باقری در علوم انسانی، انسان موضوع علم است و نه بستر علم؛ یعنی قصد داریم موجودی به نام بشر را موضوع مورد بحث قرار دهیم. روان، جامعه، تاریخ و اقتصاد او را مطالعه کنیم. در نتیجه می‌توان گفت که وجه تمایز علوم انسانی نسبت به علوم دیگر، دست‌کم به موضوع آن است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). «علوم انسانی، دانشی است که مربوط به انسان است و کلیت انسان را در تمام ابعاد زندگی و مسائلیش، بررسی می‌کند». (فیاض، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

۳. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ (اسراء/۷۰)

۴. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ (بقره/۳۰)

۵. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره/۳۴)

ملانک نبود.

چنین انسانی در بستر زمینی خود، دائماً در حال برقراری ارتباط با محیط پیرامون خود و درک این محیط براساس ادراکات خود است. این ادراکات به روش‌های مختلف تبیین می‌شود. یکی از مهم‌ترین آنها تبیین براساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی است. انسان در اثر احساسات درونی خویش که مولود یک سلسله نیازهای وجودی است، ادراکاتی می‌سازد که به عنوان نتیجه و غایت، احتیاجات نامبرده را رفع می‌نماید و اینها همان علوم و ادراکات اعتباری هستند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۸۱). وی اعتبارات را ضرورت زندگی انسان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۶۳) که بدون آن، همچون ماهی خارج از آب، به تباهی و نیستی کشیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۰۵). اعتباریات، با اراده ناشی از عقل عملی ایجاد می‌شود و انسان به عنوان عامل، این دسته مفاهیم را در هنگام عمل می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۷۲). جمیع احکام عقلیه^۱ همه از فعل خدا اتخاذ شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۸۷) و علامه خداوند را خالق همه ارزش‌ها می‌داند. چگونگی این قضایا و سنت‌ها، بسته به رأی و نظر انسان درباره حقیقت عالم (جهانبینی) و حقیقت انسان (انسان‌بینی) و رابطه میان انسان و جهان دارد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۷۴)

انسان دانشگاهی، به عنوان مفهومی اعتباری، در مراکز آموزش عالی نسبت به سایر نظام‌ها از جایگاه مهم‌تری برخوردار است. دانشگاه به‌مثابه نیروی مؤثر در تربیت انسان تلقی شده و استاد دانشگاه، عامل این نیروی محرکه است. صاحب‌نظران از استعاره «گنجینه‌های سازمان»^۲ برای انسان و منابع انسانی استفاده می‌نمایند (آنون میوس^۳، ۲۰۱۰: ۲۶). رسول اکرم (ص) بیش از چهارده قرن قبل این اصطلاح را به کار برده و انسان‌ها را به «معادن طلا و نقره» تشبیه فرموده‌اند.^۴

از متداول‌ترین رویکردهای رایج به انسان در جهان^۵ نگاهی است که در آن انسان مرکز توجه عالم قرار گرفته و مکتب انسان‌گرایی^۶ یا اصالت انسان را شکل داده است. در دانشگاه‌های غربی،

۱. چه احکام نظری که عقل در آن به ضرورت و امکان حکم می‌کند و چه احکام عملی و حسن و قبح که عقل از نظر مصالح و مفاسد به آن حکم می‌کند.

2. Organizational Treasures

3. Anonymous

۴. النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ (مجلسی، ج ۶۱: ۶۵، حدیث ۵۱)

۵. عمدتاً رویکرد جهان‌غرب که از دوران رنسانس شدت و شتاب گرفته است.

۶. این مکتب بر این باور است که انسان بدون داشتن دین و رابطه ایمانی، می‌تواند از طریق رویکرد عقل‌گرایانه نیازهای خود را رفع کند.

بر اساس مکتب انسان‌گرایی^۱، گفتمانی شکل گرفته است که از آن به رویکرد انسان‌آکادمیک^۲ یاد می‌شود. این رویکرد توسط پیر بوردیو^۳ در سال ۱۹۸۴ در کتابی تحت عنوان «انسان‌دانشگاهی» مطرح شد. وی در این کتاب به تشریح سازوکارهای دانشگاه به‌مثابه یک عرصه^۴ که اعضای هیئت‌علمی در آن به کنش می‌پردازند، پرداخته است. او دانشگاه را همانند بسیاری دیگر از حوزه‌های اجتماعی، مانند میدانی (مشابه مفهوم میدان در فیزیک) در نظر گرفته است که در آن نوعی تقسیم امتیازات صورت می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۹۳: ۹۲).

در تعلیم و تربیت اسلامی، جریان تربیت یک جریان دائم و همیشگی است و به پایان نمی‌رسد و مری و متربی هر دو مشمول جریان تربیت هستند (باقری، ۱۳۹۰: ۶۸). لذا در رویکرد اسلامی معاصر، نگاهی متفاوت به سازمان دانشگاه، اساتید و اعضای هیئت‌علمی وجود دارد. از دیدگاه امام خمینی (ره) دانشگاه به‌عنوان کارخانه انسان‌سازی است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۴۲۷) که در آن معلمان (اساتید) نقش انبیا را ایفا می‌کنند. اعضای هیئت‌علمی در هر کشوری می‌توانند پرچمدار حرکت مردم شوند؛ البته به شرط اخلاص، شجاعت و نترسیدن از دشمنان (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱).

با جایگاه رفیعی که در محیط دانشگاهی برای انسان اعم از معلم و متعلم ذکر شد، سؤال اساسی این است که: شاخصه‌های انسان‌دانشگاهی در تربیت اسلامی کدامند؟

مبانی نظری

برای پاسخ به سؤال فوق، ابتدا باید تفاوت دیدگاه‌های موجود را نسبت به انسان جويا شد. انسان در نگاه مشهور، حیوانی عاقل است که دارای عقلی نظری است و توانایی اندیشیدن دارد (حیوان ناطق). البته در تربیت اسلامی، عقل دارای دو شأن نظری و عملی است (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). مقوم انسانیت، افزون‌بر توانایی اندیشیدن و داشتن توان درک مفاهیم کلی، در تعالیم اسلامی اعتقاد به خدا و ارتباط با اوست که این ادعا با استفاده از دلیل عقل و با استعانت از آیات قرآن، قابل تبیین است. براین‌اساس، نه‌تنها داشتن عقل نظری، بلکه داشتن عقل عملی و پیروی از آن،

1. Humanism
2. Homo Academics
3. Bourdieu
4. Filed

عنصر مقوم ذات انسانیت است (طالبی، ۱۳۹۵: ۱۹۶).

چهار محور مهم که نقش اساسی تری در شکل‌گیری نظام‌های مختلف انسان‌شناسی دارند، عبارتند از: ماهیت انسان، آفرینش انسان، هدف از زندگی انسان و طبیعت انسان^۱ (واثق غزنوی، ۱۳۹۰: ۴۰) که محورهای فوق از منظر تربیت اسلامی و غربی مورد واکاوی قرار می‌گیرند. در نظریه رایج غربی، ماهیت انسان، استعدادها و غرائز دنیوی اوست و همین غرائز است که اساس کنش و واکنش و انتخاب‌گری انسان را تشکیل می‌دهد. چنین ماهیتی، امیال و خواست‌های بسیاری را به دنبال می‌آورد که نه تنها طرد برخی از آنها ضرورت ندارد، بلکه پذیرفتن هر میل و خواسته در جای خود و میدان‌باز کردن برای پاسخ و ارضای آن، قابل پذیرش است. انسان‌شناسی اومانستی و غالب انسان‌شناسی‌های تئوریزه‌شده اندیشمندان غرب، جوهره فردیت و اصالت خواسته‌های فردی را به‌عنوان ماهیت انسان پذیرفته‌اند.^۲

در تربیت اسلامی، ماهیت انسان، هسته باطنی اوست که فطرت نامیده می‌شود و نقش اصلی و محوری در تنظیم حیات انسانی و به‌کارگیری قوای عقلانی و تجربی و استمداد از کلام و حیاتی ایفا می‌کند (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۴۹). براساس اندیشه اسلامی، همه آدمیان علی‌رغم آنکه از نظر جسمی و زبانی و فرهنگی، تفاوت‌های فراوانی با هم دارند، از سرشتی مشترک برخوردارند. همه آنها دارای فطرتی الهی‌اند (شریفی، ۱۳۹۳: ۳۲۳). فطرت، هویت وسیع و همه‌جانبه‌ای از انسان به‌دست می‌دهد و به‌عنوان جوهره انسان، حافظ اصول ارزش‌های انسانی به‌صورت پایدار در گذر زمان‌هاست. با ملاحظه هر دو جنبه مادی و معنوی، حقیقت‌جویی، عدالت‌طلبی، زیبایی‌دوستی، پیشرفت‌خواهی، نیایش و پرستش و عشق متعالی، ابعاد اصلی فطرت انسان را تشکیل می‌دهند. در تربیت اسلامی، حاکمیت فطرت به‌دلیل همسوئی و همنوایی با روح الهی و ودیعه ملکوتی انسان، شاکله او را الهی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). قرآن کریم بر ماهیت فطری انسان^۳ تأکید می‌نماید و بدون نفی و انکار غرائز و خواسته‌های انسانی، تعادل و سازگاری غرائز و امور طبیعی و فراطبیعی انسان را

۱. درخصوص تفاوت ماهیت و طبیعت انسان باید گفت که طبیعت به ویژگی‌های روحی و روانی انسان اشاره می‌کند، حال‌آنکه ماهیت و حقیقت انسان، بر قوه محرک فعالیت‌های مادی و معنوی انسان تأکید دارد.

۲. تقریرهای متفاوت، تغییری در اصل مسئله ایجاد نمی‌کند.

۳. "فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَلَكِن كَثُرَ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ!" (روم/۳۰).

مطرح می‌کند. در این نگرش، عقلانیت و تجربه، همواره باید یاور و معاضد فطرت باشند، به گونه‌ای که بتوانند حرکت و تغییر جوانب طبیعی حیات انسانی را در قالب تکامل و توسعه‌ای فطرت‌مدار شکل دهند و راه یکسونگری مادی‌نگری و یا معنوی‌گری صرف را ببندند.

در بحث آفرینش، بر مبنای اندیشه غربی غالب، جهان موجودی خودپیدایش و انسان نیز بخشی از همین جهان طبیعت است که بر اساس یک فرایند تحوُّلی پدید آمده است (سجادی، ۱۳۸۸: ۹۵ - ۹۹). نگرش غالب و حاکم در شرایط حاضر، اصالت امور دنیوی و یا غیردین‌گرایی^۱ است که به حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه‌راندن نقش دین در ساحت‌های مختلف حیات انسانی از قبیل سیاست، حکومت، مدیریت، علم، عقلانیت و اخلاق و... گرایش دارد. در رویکرد الحادی غیردین‌گرایی، دین و خدا امری غیر واقعی و زاییده جهل، ترس یا حاکمان قدرت طلب است (نقی پورفر، ۱۳۸۴: ۴۹) که هیچ‌گونه واقعیت خارجی ندارند. لازمه این دیدگاه آن است که آفرینش موجودات از جمله انسان، یک امر زمینی است و به خدا ربط ندارد. رویکرد اسلامی به آفرینش انسان، یک رویکرد متعالی و دووجهی و مبتنی بر وجود جسمانی و زمینی (گل) و وجود روحانی یا غیرزمینی (روح خدایی) است.^۲ در تربیت اسلامی وجود روح، امری تردیدناپذیر^۳ است و مهم‌تر اینکه روح، بخش اصیل وجود انسان است که بعد از مرگ نیز باقی و جاودان خواهد ماند.^۴

در خصوص نگرش غایت‌شناختی و هدف از زندگی انسان نیز دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. تفکر غالب غرب مبتنی بر تفکر اومانستی و سکولاریستی است. بر این اساس، هدف از زندگی انسان، لذت، ثروت، قدرت و استفاده از متاع و مزایای طبیعی و مادی است (واثق غزنوی، ۱۳۹۰: ۴۵). در تعلیم و تربیت اسلامی، هدف نهایی انسان، رستگاری است که از طریق قرب به خدا حاصل می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۳۳) و جز از طریق تخلُّق به اخلاق الهی امکان‌پذیر نیست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۲). در این منظر، زندگی دنیوی انسان مقدمه‌ای برای زندگی اخروی است. هدایت و رشد، طهارت، حیات طیبه، تقوی، قرب، رضوان و عبادت نیز به‌عنوان اهداف غایی بر شمرده شده‌اند (باقری، ۱۳۸۲: ۸۳ - ۷۶).

1. Secularism

۲. سوره سجده آیات ۷-۱۰

۳. سوره حجر آیه ۲۹

۴. قل یتوفیکم ملک الموت الذی وُکِّلَ بکم ثم الی ربکم تُرجعون (سجده/۱۱)

از دیدگاه اندیشمندان مغرب‌زمین انسان از نظر طبیعت می‌تواند خوب، بد، یا خنثی باشد^۱. در رویکرد اسلامی، انسان موجودی چندبعدی است و همه ابعاد به صورت بالقوه و یا به صورت فعلیت ضعیف در سرشت او وجود دارد. انسان هم از لحاظ تفکر و ادراک و هم از ناحیه حواس مادی و غیرمادی، فراتر از حیوان است و خداوند است که از حقیقت انسان خبر دارد و او را خلیفه خود معرفی می‌کند^۲. در نظر فرشتگان، مقام خلافت و مرتبه مادی انسان، مزاحم یکدیگر جلوه کرد. آنان به مرتبه‌ای از مراتب انسان که حیوانیت اوست، اشاره کردند و آن را با مرتبه خلافت ناسازگار یافتند؛ زیرا مقام خلافت تمام نمی‌شود، مگر اینکه خلیفه در تمام شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیری که برای تأمین آنها خلیفه است، نمایشگر مستخلفه‌عنه باشد. می‌توان گفت قرآن کریم با سه دیدگاه مطرح شده غرب درباره طبیعت انسان مخالف است. در مقابل، نگاه قرآن به انسان نگاهی واقع‌بینانه و مطابق با حقیقت است. از یکسو، عالی‌ترین جایگاه را در عالم خلقت برای او اثبات می‌نماید، اما از سوی دیگر، او را بنده خدا می‌داند و ارزش او را در عین بندگی تا مقام خلیفه‌اللهی بالا می‌برد و حقایق هستی را به او آموخته و او را مسجود ملائک می‌نماید. او را صاحب کرامت ذاتی دانسته و بر بسیاری از موجودات برتری بخشیده و ملک و مالک خشکی‌ها و دریاها قرار داده است و حیواناتی را نیز رام او کرده است تا در خدمت او باشند^۳. برای انسانی با چنین جایگاه رفیعی در خلقت، در هدف زندگی و در سرشت و طبیعت، تکالیف و وظایفی والا و درخور، انتظار می‌رود که در صورت توجه و عمل به این وظایف، راه سعادت را خواهد پیمود.

بنابر بررسی چهار محور فوق، باید در نظر داشت که انسان دانشگاهی از منظر آموزه‌های دینی به دلیل رجحان‌های برشمرده، باید به تکالیفی که از سوی حق تعالی بر دوشش نهاده شده است، با التزامی درونی و نه با تکالیفی صوری و بیرونی متعهد باشد تا به وظایفش به نحو احسن عمل نماید و در یک کلمه، انسانی متعهد باشد.

۱. در مورد طبیعت و سرشت انسان در دیدگاه غربی سه نوع رویکرد وجود دارد؛ رویکرد مثبت: افرادی مانند فروم، اریکسن، مازلو و راجرز (مزلو، ۱۹۸۷) و روسو رویکرد منفی: فروید و هابز. رویکرد خنثی: واتسن، اسکینر، باندورا، میشل و سارتر. (سارتر، ۱۳۴۸) براین اساس، انسان مجبور طبیعت و محیط است.

۲. سوره بقره آیه ۳۰

۳. "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ" (اسرا/۷۰)

تعهد در آینه کمال‌جویی انسان

کمال‌جویی و سعادت‌خواهی، یکی از گرایش‌های فطری و ذاتی انسان است. مقصود از هدف و کمال‌نهایی انسان، نقطه‌ای است که کمالی فراتر از آن برای انسان متصور نیست. استکمال و به‌فعلیت رسیدن هریک از توانش‌های فرد، به میزانی ارزشمند است که زمینه تحقق کمال بی‌پایان و جاودانه را فراهم سازد و مقدمه دستیابی به کمال‌نهایی باشد. در رسیدن به کمال، آن دسته از عمل‌ها که متکی به ایمان به خدا، معاد و نبوت باشد و همراه با تقوا انجام گیرد^۱ مؤثر خواهند بود؛ یعنی صرفاً برای خدا و به نیت خدا بودن که این شرایط باعث پذیرفته‌شدن اعمال خواهد بود^۲، روح عمل و عبادت‌بودن آن را تشکیل می‌دهد.

قرب الهی که کمال‌نهایی انسان است، درجاتی دارد که حتی کوچکترین عمل اختیاری (در صورتی که واجد شرایط باشد) انسان را به آن نزدیک می‌نماید^۳. در تعلیم و تربیت اسلامی، کمال حقیقی انسان جز با انجام افعال اختیاری به‌دست نمی‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). براین اساس، اهمیت و ارزش کنش‌های انسانی اهمیت‌ی ابزاری است یعنی کنش‌های انسانی، نقش ابزار را برای وصول به کمال‌نهایی یا دوری از آن ایفا می‌کنند (شریفی، ۱۳۹۳: ۳۲۴). بنابراین، در تربیت اسلامی توقف در زندگی معنا نداشته، هر عملی انسان را به خدا نزدیک یا از او دور می‌کند. در جازدن در صورتی متصور است که فرد هیچ تکلیفی نداشته باشد. انسان، مادامی که در تکاپو و تلاش اختیاری است مکلف است و بسته به آنکه تکلیف خویش را چنانکه خدا می‌خواهد عمل نماید یا خیر، تکامل یا سقوط خواهد داشت^۴.

انسان از دیدگاه قرآن دارای دو نوع کرامت ذاتی^۵ یا هستی‌شناختی و اکتسابی یا ارزش‌شناختی است (رجبی، ۱۳۹۲: ۱۵۴). کرامت اکتسابی، کمالاتی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به‌دست می‌آورد و ملاک تقرّب است و انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال را دارند. کرامت اکتسابی، امری حقیقی است نه اعتباری و از همین منظر می‌توان انسان‌ها را فراتر از

۱. إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (مانده/۲۷).

۲. انما الاعمال بالنیات. (مجلسی، ۱۳۶۳).

۳. هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ (آل عمران/۱۶۳).

۴. وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ مَا رُبِّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (انعام/۱۳۲).

۵. کرامت ذاتی حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان بوده، بنابراین ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی نیست.

فرشتگان یا فروتر از جمادات و حیوانات دانست.^۱

انسان با ویژگی کمال‌جویی خود، در تعلیم و تربیت اسلامی، از یک طرف هم عالم به اسماء^۲ خداوند است و هم به اذن او، معلم اسماء حسناى الهی است و از طرف دیگر دارای مقام خلافت می‌باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). مرتبه عالی خلافت تکوینی، خلیفه خدا را توانا می‌سازد تا کارهای خدایی کند و به عبارت دیگر، ولایت تکوینی داشته باشد. مقصود آن است که فرد، مظهر یک یا چند و یا همه اسماء خدا شود و صفات خدا از طریق او به مرحله عمل و ظهور رسد.

در نقطه‌نهایی تربیت اسلامی، انسان حقیقی، کسی است که با حیات الهی و جاودانی و تاله، خداخواهی فطری خویش را به فعلیت برساند و مراحل تکامل انسان را تا مقام خلافت و مظهریت اسمای حسناى الهی و تخلق به اخلاق الله ببیماید.

در این مسیر، یکی از مهم‌ترین مظاهر مهم اسماء حسناى الهی، وفای به عهد است. خداوند در قرآن کریم خود را با وفاترین می‌شمارد.^۳ وفای خداوند، از صفات جلالیه اوست که با کمال بی‌نیازی و غنای مطلق، خیر از ایفای عهده می‌دهد، که بسته است.

وفای به عهد و تعهد به معنای گردن‌گرفتن کاری (معین، ۱۳۸۱: ۱۷۹)، تازه کردن پیمان، عهد نو کردن و عهد و پیمان بستن (دهخدا، بی‌تا) است و متعهد کسی است که به عهد و پیمانی که بسته است، وفادار بماند. در معنای لغوی قرآن، وفای به عهد در معنای حفظ و نگهداری و مراعات نمودن چیزی آمده است که مراعاتش لازم است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۳).

تعهد و وفای به عهد دارای مراتب است. تنعم بیشتر، تعهد بیشتر می‌طلبد؛^۴ چراکه حقوق بیشتری باید ادا گردد؛ به عبارتی نعمت‌ها مسئولیت‌زا هستند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۷: ۳۳۱). سرمایه‌های وجودی انسان نیز نیازمند باروری هستند؛ زیرا در غیراین صورت در فاصله تولد تا مرگ از دست می‌روند مگر این که ثبت شده و در جای شایسته مصرف شود. این سرمایه‌ها چون از خداست باید در راه حق و برای او باشد زیرا او جهت حرکت و هدف نهایی است.^۵ در قرآن کریم، در آیات

۱. أَوْلَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف/۱۷۹)، وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (نبأ/۴۰).

۲. وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره/۳۱).

۳. وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؛ (توبه/۱۱۱)، فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ (بقره/۸۰).

۴. لَنْتَسَلَّنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (تكاثر/۸).

۵. إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره/۱۵۶).

بسیاری به پایبندی به معاهدات امر شده است. بیش‌ترین تعبیری که در توصیه به پایبندی به عقود و معاهدات در این آیات به کار رفته، تعبیر وفا و عهد است.^۱ این اهمیت تا آنجایی است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: آن‌کس که وفای به عهد و پیمان نکند، دین ندارد^۲ (مجلسی، ج ۷۵: ۹۶). فردی که در برابر انجام یا ترک عملی، احساس تعهد می‌کند، خود را تحت تأثیر بایده‌ی از درون می‌بیند؛ بایده‌ی که هم الزام‌آور است و هم فرد نسبت به آن احساس یگانگی و خودی دارد. درحالی‌که بایده‌های بیرونی گاه فقط الزام‌آورند، اما فرد نسبت به آنها احساس دوگانگی و بیگانگی دارد. در تربیت اسلامی، انسان با الزام‌ها و بایده‌های درونی روبه‌روست. تربیت اسلامی بایده‌هایی را فراروی انسان نهاده است که منطبق‌پذیر و قابل دفاع است و لذا در پیروی از آنها نیازی به اجبار و اکراه نیست.^۳ براین‌اساس، لازم است فرد درقبال این بایده‌ها، با الزامی نشئت‌یافته از درون به عمل پردازد و در برابر آنها احساس مسئولیت داشته باشد. (باقری، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

گونه‌شناسی تعهد در تربیت اسلامی

وقتی درمورد تعهد صحبت می‌شود، به‌نوعی درخصوص روابط بین دو یا چند فرد یا چیز صحبت به‌میان می‌آید که نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌نمایند. انسان در نظام هستی، چهار نوع ارتباط دارد: ارتباط با خدا، ارتباط با خویشان، ارتباط با خلقت و ارتباط با خلق (همنوع خود) (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۳).

در تعلیم و تربیت اسلامی، تعهد اصلی انسان در این دیدگاه نسبت به خداوند (خالق) است و سایر تعهدات در طول این تعهد قرار می‌گیرد. براساس بینش دینی چون همه هستی از آن خدای متعال است و او مالک همه چیز است، هر کجا حقی باشد، اصالتاً از آن خداست و هیچ حقی برای کسی به‌خودی‌خود ثابت نمی‌شود؛ مگر اینکه خداوند، آن حق را به آن موجود اعطا کرده باشد. پس نتیجه می‌شود که مسئولیت واقعی انسان در مقابل خداوند است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۴). از نگاه قرآن چهار ارتباط یادشده در تعامل با هم، خاستگاه رشد و تربیت انسان را تشکیل می‌دهد. در این نگاه انسان دعوت به خودکامی می‌شود تا هم به گرایش‌های فطری و هم به توحید دست یابد. جریان بندگی که سرفصل رابطه انسان با خدا را تشکیل می‌دهد، ضمن آنکه خود نیازمند توسعه و

۱. برای نمونه رجوع شود به آیات (بقره/۱۷۷)، (مومنون/۸) و (نحل/۹۵ و ۹۶).

۲. لا دینَ لِمَن لا عَهْدَ لَهُ.

۳. لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره/۲۵۶).

تعمیق است، به انسان مدد می‌رساند تا در سه حوزه دیگر با انگیزه قوی‌تر دادوستد داشته باشد (سجادی، ۱۳۸۸: ۹۱).

رفتار متعهدانه از شاخص‌های انسان سالم است. به هر اندازه که فرد از روحیه تعهد برخوردار باشد، به همان اندازه کمال یافته‌تر است. لذا در تربیت اسلامی توجه به تعهد انسان متعالی به‌عنوان رکنی از کمال او تلقی شده و انسان متعهد به‌عنوان انسان متکامل در نظر گرفته می‌شود. وجه این تعهد در تربیت اسلامی و تعهد افراد (انسان) در محیط دانشگاهی تحت عنوان انسان دانشگاهی متعهد، تبیین می‌شود.

الف) تعهد نسبت به خدا

بعد تکوینی تعهد انسان، تعهدی است که فرد را از بی‌تفاوتی و غفلت نسبت به خدا (و در پرتو آن نسبت به خویش و خلقت) باز داشته، او را در مقابل مسیر تکاملی جهان، مسئول می‌شناسد.^۱ تعهد در برابر خدا، مربوط به استعداد شناخت، آزادی اراده و هدایت از جانب خالق است.^۲ در تربیت اسلامی ذیل نگاه متعهدانه بخشی از مسئولیت عالم برعهده انسان نهاده شده است. فطرت، مرکز و کانون درک مسئولانه هستی و عصاره میثاق‌ها و عهدهای الهی است. فطرت که به سرشت خاص انسان اطلاق می‌شود سرمایه تکوینی بی‌بدیلی است که جز انسان به هیچ موجود دیگری اعطا نشده است. همین سرمایه باعث شده است که تکالیف سنگینی بر دوش انسان نهاده شود. خداوند به‌وسیله استعدادهای فطری، قدرتی به بنده‌اش داده است که در صورت فعلیت یافتن می‌تواند مراتب کمال را به‌تدریج طی کند و شایستگی جانشینی خدا را به‌دست آورد (ملکی، ۱۳۹۶: ۵). وقتی انسان زاده می‌شود، چیزی از علم حصولی را نمی‌داند، لذا ابزار شناختی همچون گوش و چشم و دل به وی داده شده تا شاکر باشد.^۳ شکرگزاری نعمت‌های یادشده در تعلیم و تربیت اسلامی آن است که از منابع صحیح، دانش‌ها را فرا گرفته و به علم حصولی دست یابد. براین اساس می‌توان از علم حصولی مجاز و متناسب با فطرت سخن گفت که دارای شروط آیه‌بینی، مدلل بودن، نافع بودن، معرفت وسیع و جامع، پیوستگی، توازن بین نقد و سازگاری و بیدارسازی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۷۵).

۱. وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء/۳۴)

۲. الَّذِينَ يُؤْتُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (رعد/۲۰)

۳. وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ: لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل/۷۸)

در تربیت اسلامی، نیروهای ادراکی متعدد وجود انسان از فطرت تا عقل و قلب، هریک علاوه بر وظیفه درک، وظایفی دیگر نیز دارد و فطرت، درک در کنار عهد را عهده دار است؛ یعنی هم حقایق را می فهمد و هم نسبت مسئولیت خود با آن حقیقت را درک می کند و لذا تفاوت مهم علم بی تعهد و آگاهی متعهدانه در همین جا روشن می شود که اگر علم از فطرت و ایمان و عهد الهی جدا شود، علم بی ثمر را نتیجه می دهد. از طرف دیگر خداوند خود را در حد اعلائی وفاکننده به عهد، توصیف می فرماید؛^۱ لذا توصیه به وفای به عهد انسان از جانب خداوند متعال، توصیه به یک صفت ثبوتیه خداوند است. همچنین خداوند، کم ترین احتمال پیمان شکنی را نسبت به خود قاطعانه مردود می شمارد.^۲ آنگاه بندگان مؤمن خود را نیز به وفاداری و پایبندی به تعهداتشان فرا می خواند و از نقض عهد و بی وفایی باز می دارد^۳ و با بیان نشانه های خردمندان حق جو بیش از هر چیز، وفای به عهد و پیمان را گوشزد می کند.^۴ امیرالمؤمنین (ع) نیز عدم وفای به عهد را عدم یقین به خداوند سبحان می داند^۵ و بر نگه داشتن محکم پیمان ها تأکید می نمایند.^۶

در کشور ایران نیز این تعهد نسبت به خداوند متعال به صورت های مختلف و در قالب قسم نامه هایی در محیط های دانشگاهی و حرفه ای (مانند قسم نامه پزشکی، قسم نامه مهندسی و...) و یا قسم نامه های مسئولیتی (مانند تحلیف رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و...) مشهود است. به عبارت دیگر، افراد با قسم هایی که به جا می آورند خود را نسبت به دینی که با خداوند بسته اند، متعهد می کنند.

تعهد اساتید دانشگاه و محیط های علمی، از جایگاه رفیع آنان نزد خداوند نشئت می گیرد که این قشر را هم از بقیه اقشار جامعه دارای خشیت بیشتر و خداترس تر^۷ و هم قلم آنان را مهم تر از خون شهدا^۸ توصیف کرده است.

۱. وَ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ (توبه/۱۱۱)

۲. فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ (بقره/۸۰).

۳. وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ (بقره/۴۰)

۴. الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَتَّقُونَ الْمِيثَاقَ (رعد/۲۰)

۵. مَا أَتَقَنَ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يَرَعْ عَهْدَهُ وَذَمَّتْهُ (غررالحکم: ۳۶۶).

۶. اخْتَصِمُوا بِالَّذِمِّمْ فِي أَوْتَادِهَا، (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۵). و (کافی، ج ۸: ۳۵۴، ح ۵۵۰)

۷. إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ، (فاطر/۲۸)

۸. مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء (مجلسی، ج ۲: ۱۴، ح ۲۶)

ب) تعهد نسبت به خود

در حوزه تربیت اسلامی، ارتباط انسان با خود، باید براساس شناخت جایگاه واقعی خویش تنظیم شود. او باید بداند که از سویی خلیفه خدا در زمین و دارای ظرفیت علمی گسترده و امانت‌دار خدا و برخوردار از فطرت خدا آشناست و از سوی دیگر، موجودی ظلم، سخت‌آزمند و بی‌تاب خلق شده است که چون صدمه‌ای به او می‌رسد، عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد، بخل ورزد^۱ و بیش از هر چیز، سر جلال دارد^۲ و ناتوان آفریده شده است^۳. در تربیت اسلامی خداینی شرط کمال و خودبینی، مانع آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۹۳). در تربیتی که خداینی محور کمال قرار گرفت، انسان نه تنها خودبین نیست، بلکه مجموعه جهان آفرینش را آیات، ابزار و مظاهر فیض خدا می‌داند. وقتی که انسان جایگاه خود را در نظام هستی بررسی کرد و فطرت و طبیعت خود را شناخت، می‌داند که بنده و امین خداست و اعضا و جوارح او سپاه الهی و در کمین او هستند و لذا رابطه انسان با خود باید براساس شناخت حقیقت و ابعاد وجودی و استعدادها و نیازهای او و باعنایت به هدف آفرینش و ابدیت او تنظیم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۴ - ۵۵). سرمنشأ این ارتباط که منتج از شناخت است، تعهدی را در فرد نسبت به خودش ایجاد کرده و سرآغاز رسالت اوست که مسئولیت وی نسبت به خود، آینده و سرنوشتش، زن یا مرد^۴ را تعیین می‌کند. انتخاب و عمل فرد، سعادت یا شقاوت به‌ارمغان می‌آورد و هر کس مرهون چیزهایی است که کسب کرده است^۵. آنچنان که گفته شد در تعالیم اسلامی هر عمل به‌نحوی در شخصیت و آینده تأثیرگذار است. بنابراین، ماهیت بر وجود تقدم ندارد. آنچه با وجود همراه است، استعداد وصول به بالاترین مراحل تکامل است.

تعهد نسبت به خود در دانشگاه و افراد آن را می‌توان در تکامل افراد و تلاش برای شکوفایی استعدادها عنوان نمود. البته بزرگترین وظیفه، مبارزه با نفس در راه قرب الهی و تعالی الی‌الله^۶ است. از طرف دیگر، اساتید، نسبت به تعالی علمی و دستیابی به جدیدترین حوزه‌های علمی و مرزهای

۱. سوره معارج آیات ۱۹ تا ۲۱

۲. سوره کهف آیه ۵۴

۳. سوره نساء آیه ۲۸

۴. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل/۹۷)

۵. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (مدثر/۳۸)

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَجَعْتُمْ مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ وَعَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ الْأَكْبَرِ (بروجردی، ج ۱۴: ۵۶).

دانش باید خود را متعهد بدانند و تمام تلاش خود را صرف یادگیری و طلب دانش کنند. در کنار این تعهد، باید رعایت ارزش‌های انسانی را که می‌توان آن را اخلاق نامید، به‌عنوان موارد و موضوعات تعهدآور نسبت به خود هم یاد کرد که می‌توان به مواردی چون آزاداندیشی (رحیمی و آقابابایی، ۱۳۹۲؛ فرهود، ۱۳۸۹)؛ تعادل در رفتار (ایمانی‌پور، ۱۳۹۱؛ محمدی و گل‌وردی، ۱۳۹۱)؛ درستکاری و پاکدامنی (حسینی و عباسی، ۱۳۹۱؛ میرطاهری و همکاران، ۱۳۹۴)؛ حفظ شئون علم و دانش (پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ تعهد به علم بر پایه فطرت (ملکی، ۱۳۹۶)، عمل به علم خود (پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ خلوص نیت و پالایش هدف (پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۵) اشاره نمود.

برای طلب علم و انتشار آن نباید نیازی به مشوق‌های بیرونی باشد؛ چراکه این طلب و فراگیری علم یک تعهد درونی بین انسان و خود و در طول تعهدی است که انسان به خداوند متعال داده است و در جایگاه مقدس معلمی (هیئت‌علمی) باید به آن جامه عمل ببوشاند. به نظر نویسندگان تدوین آیین‌نامه‌های تشویقی برای این سطح از افراد جامعه و تأکید بر تشویق‌های بیرونی جایگاه رفیع آنان را تنزل داده و به نظام ارزشی آنان ضربه وارد خواهد کرد.

ج) تعهد نسبت به خلق (دیگران)

انسان برای بقای نوع خود و نیز برای دستیابی به کمال، نیازمند زندگی اجتماعی است و براساس پیوستگی منطقی، هرآنچه مسئولیت نسبت به خود دارد، ضرورتاً به تعهد او نسبت به زندگی و جامعه نیز منجر می‌شود. تحقق کلیه اهداف اساسی اشخاص مانند صیانت نفس، تأمین شرایط رشد و تکامل جسم و اندیشه، منوط به تلاش و تابع روابط جمعی است. انتخاب و عمل هر فرد، در سرنوشت همه افراد تأثیرگذار است. این تعهد تا آنجا تعالی می‌یابد که در آموزه‌های دینی به زنده کردن همه انسان‌ها تأویل می‌شود.^۱ در آیات قرآن و روایات، جایگاه تعهد انسان به افراد اطراف خود و در بعد کلان‌تر نسبت به مسلمین به‌وفور آمده است.^۲ براساس تربیت اسلامی وقتی

۱. أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا يَغْتَبِرُ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده/۳۲)
این جمله در کلام خدای عزوجل بزرگترین تأویل برای کسی است که انسانی را از ضلالتی نجات دهد و به راه راست هدایت کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۲۷)

۲. رجوع شود به سور مبارکه (مائده/۱)، (توبه/۷)، (بقره/۱۷۷)، (توبه/۱۲) و (آل عمران/۷۶).
قال رسول الله (ص): مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (مجلسی، ج ۷۱: ۳۳۹، ح ۲۰)، قال الصادق(ع): عده المؤمن اخاه نذر لا كفارة له فمن اخلف فبخلف الله بده و لمقته تعرض؛ (کلینی، ج ۲: ۳۶۳)

خدایینی محور کمال قرار گرفت انسان، نه تنها خود را نمی‌بیند، بلکه مجموعه جهان آفرینش را آیات، ابزار و مظاهر فیض خدا می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۹۳).

در محیط دانشگاهی که اعضای هیئت علمی به‌عنوان مربی به انجام وظایف خود اقدام می‌نمایند، این تکالیف و تعهدات مورد توجه قرار گرفته و گاه از آنها به‌عنوان مراعات اخلاقی یاد می‌شود و انجام آنها برای فرد اخلاق‌مدار توصیه می‌شود. مواردی چون احترام به اطرافیان (عزیزی، ۱۳۸۹؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۴)؛ عدالت نسبت اطرافیان (قراملکی، ۱۳۸۱؛ آدوآکانگ، ۲۰۱۳)؛ وفاداری (میرکمالی، ۱۳۹۲؛ سلطان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳)؛ امانت‌داری (رحیمی و آقابابایی، ۱۳۹۲؛ سلاجقه و صفری، ۱۳۹۴)؛ صداقت (خندقی و پاک‌مهر، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۳۹۳)؛ انتقادپذیری (فرمهبینی و اشرفی، ۱۳۹۳)؛ تعامل صحیح با فراگیران (آراسته و همکاران، ۱۳۸۹؛ نوریان و همکاران، ۱۳۹۵)؛ رشد همه‌جانبه فراگیران (مطلبی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰؛ بوذرجمهری و همکاران، ۱۳۹۲)؛ همدلی و همدردی (میرکمالی، ۱۳۹۲؛ پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ اعتماد (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹؛ ایمانی‌پور، ۱۳۹۱)؛ شناخت ابعاد مختلف فراگیران (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳؛ پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بردباری (محمدی و گل‌وردی، ۱۳۹۱)؛ فرمهبینی‌فراهانی و بهنام‌جام، ۱۳۹۱)؛ فروتنی (فرمهبینی و اشرفی، ۱۳۹۳)؛ صفایی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۵)؛ تشویق و تنبیه متناسب (پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ اختصاص وقت کافی برای فراگیران (باباصفری و همکاران، ۱۳۹۲)؛ روحیه مشارکت و همکاری (ناییبی و شعبان، ۱۳۹۷) را می‌توان اشاره نمود. رعایت این تعهدات است که شرایط زندگی اجتماعی برای انسان را فراهم و ممکن می‌سازد.

(د) تعهد در برابر خلقت (محیط)

در یک نظام بوم‌شناخت^۱ هر عنصری، وظیفه و نقشی برعهده دارد. درعین حال که هر عنصری نقش مستقل دارد، ادامه کار و فعالیتش به فعالیت سایر عناصر وابسته است. عمل و فعالیت نظام، چنان بهم وابسته است که هر تغییر در وضع یک عنصر، موجب برهم‌خوردن تعادل می‌شود. عکس‌العمل تصمیمات و اقدامات نادرست که موجب اختلال و لطمه بر تعادل و سلامت محیط است، دیر یا زود، مستقیم یا غیرمستقیم به خود بشر بر می‌گردد^۲، هرچند بر اثر جهالت و یا تعدد

۱. یا اکولوژیک فضایی که مجموعه عناصر زنده و غیرزنده آن در یک ارتباط و تأثیر متقابل به فعالیت حیاتی می‌پردازند

۲. ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم/۴۱)

صورت گرفته باشد. در تربیت اسلامی، آدمی خود را آنچنان که هست، محاط در هستی بیکرانی می‌بیند که با علم، قدرت و مشیت الهی می‌چرخد (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). لذا فرد متعهد علاوه بر اینکه تک‌تک موجودات عالم را آینه و آیت خداوند متعال می‌بیند و معنی را در جزء جزء جهان می‌جوید، در نگاه به حوادث و اتفاقات بی‌تفاوت و خنثی از کنار آنها نمی‌گذرد و به تعبیر قرآن کریم کور و کر در برابر آیات الهی نیست^۱ و بر محیط اطراف و آبادانی آن توجه کرده است.^۲ امام علی (ع) افراد را در مقابل محیط طبیعی (آب، زمین، حیوانات و...) مسئول می‌دانستند.^۳

می‌توان محیط اطراف یک استاد دانشگاه را علاوه بر محیط طبیعی به دو دسته محیط علمی و محیط اجتماعی تقسیم‌بندی نمود. در تعهد نسبت به محیط علمی می‌توان به مواردی چون، تعهد به ایجاد فضای معنوی در کلاس درس (پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۶) تعهد به ایجاد فضای بحث در کلاس (سلاجقه و صفری، ۱۳۹۴؛ نوریان و همکاران، ۱۳۹۵) تعهد به فضای فیزیکی و مدیریتی کلاس (پورکریمی و همکاران، ۱۳۹۶) اشاره نمود. در بعد تعهد نسبت به محیط اجتماعی می‌توان به مواردی چون تعهد به تربیت با توجه به شرایط آینده کشور (پورکریمی، ۱۳۹۶)؛ تعهد قانون‌مداری در محیط اجتماعی (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳؛ حاج‌خزیمه، ۱۳۹۴) تعهد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (میرکمالی، ۱۳۹۲؛ فراست‌خواه، ۱۳۸۵) تعهد به استفاده صحیح از منابع و امکانات (پورکریمی، ۱۳۹۶)؛ تعهد به توجه به نتایج تحقیقات (مطلبی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱) و تعهد به توجه به حل مسائل و مشکلات جامعه (مطلبی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱) اشاره نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

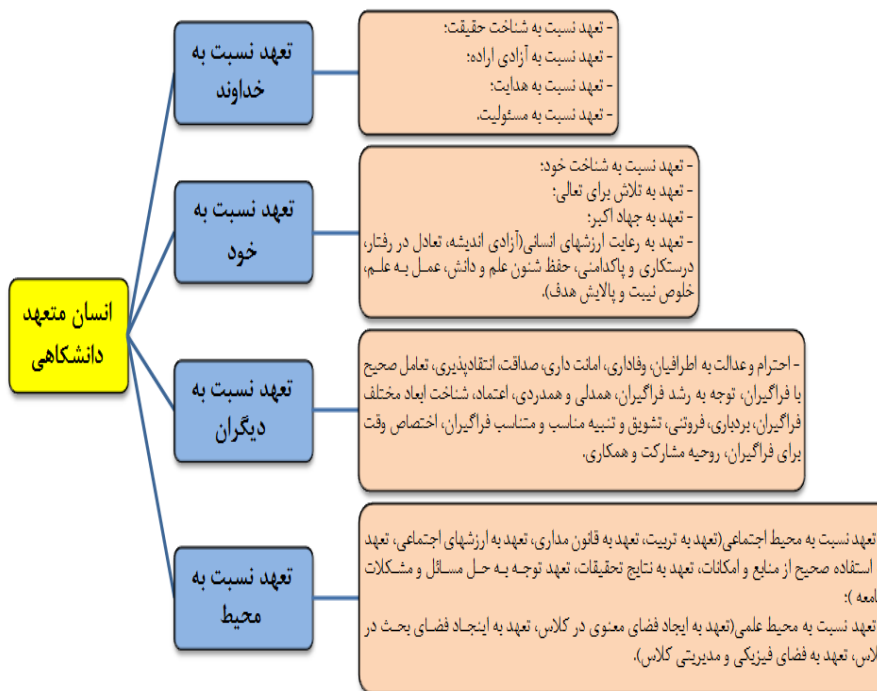
در شکل‌گیری نظام‌های انسان‌شناسی چهار محور ماهیت، آفرینش، هدف از زندگی و طبیعت انسان، نقش اساسی تری ایفا می‌کنند. در تربیت اسلامی، فطرت، ترسیم‌کننده ماهیت انسانی است که حافظ اصول ارزش‌های انسانی به صورت ثابت و پایدار در گذر زمان است. آفرینش متعالی، ذوابعاد و مبتنی بر وجودی جسمانی و روحانی، آن‌هم روح‌خدایی است که جنبه دوم بعد از مرگ، باقی و جاودان خواهد ماند. قرب به خدا، والاترین هدف انسان در تربیت و عامل رستگاری است.

۱. الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (فرقان/۷۳)

۲. هُوَ انْشَاكُم مِّنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُم فِيهَا (هود/۶۱)

۳. اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ (سید رضی، ۱۳۷۹، ج ۱۶۶)

خلیفه خدابودن، کرامت ذاتی و مسجود فرشتگان بودن نیز ناظر بر محور طبیعت از این دیدگاه است. ابعاد مطرح شده و تفوق‌های نامبرده ذیل عامل تعهد، معنا و رنگ می‌پذیرد. لذا در تعلیم و تربیت اسلامی، تعهد اصلی انسان نسبت به خداوند متعال (خالق) است و سایر تعهدات یعنی تعهد نسبت به خود (خویشتن)، تعهد نسبت به دیگران (خلق) و تعهد نسبت به طبیعت (خلقت) در طول این تعهد و زیر چتر آن قرار می‌گیرد. در تربیت متعهدانه انسان خود را محاط در هستی عظیمی می‌یابد که بر پایه علم، قدرت و اراده الهی بنا شده و استمرار دارد. لذا براساس تعلیم و تربیت اسلامی، انسان و خاصه در این نوشتار اساتید دانشگاه باید هم تکالیفی را که از سوی حق تعالی برعهده وی نهاده شده است، بشناسد و هم خود را تحت تأثیر بایندی از درون ببیند و در نهایت عامل و متعهد باشد و به وظایف خود به نحو احسن عمل نماید. براین اساس مختصات انسان دانشگاهی متعهد (استاد دانشگاه) به صورت نمودار زیر نشان داده می‌شود:



شکل ۱. انسان دانشگاهی متعهد

در تربیت اسلامی، سطح اول یعنی تعهد نسبت به خدا در حد مطلوب، موجد و متضمن سایر سطوح است. در اهداف تربیت نیز این اصلاح، اساسی‌ترین هدف در تربیت اسلامی است. بدین معنا که اگر انسان نسبت به خداوند در ساحت‌های مختلف، متعهد باشد، سایر سطوح نیز ذیل تعهد اولیه به خوبی شکل خواهند گرفت.

منابع

- قرآن کریم، همراه با شرح آیات منتخب، فقیهی رضایی، محمد (۱۳۸۴)، تهران: محراب قلم.
- آراسته، حمیدرضا؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم و مطلبی‌فرد، علی‌رضا (۱۳۸۹)، بررسی وضعیت اخلاق آموزشی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، راهبرد فرهنگ، ۸: ۲۱۹-۲۰۴.
- آمدی، عبدالواحدبن‌محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اصفهان‌ی، راغب (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ قرآن، دارالقلم و الدارالشامیه، دمشق و بیروت.
- امین خندقی، مقصود و پاک‌مهر، حمیده (۱۳۹۱)، آموزش معیارهای اخلاق پژوهش، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۴ (۷): ۱۲ - ۱.
- ایمانی‌پور، معصومه (۱۳۹۱)، اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، ۶ (۵): ۳۸ - ۲۵.
- باباصغری، محبوبه؛ مرزوقی، رحمت‌اله، فقیه، نظام‌الدین، ترک‌زاده، جعفر و یوسفی، فریده (۱۳۹۲)، ارزیابی اخلاق حرفه‌ای استادان دانشگاه شیراز از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد و دلالت‌های تربیتی آن در برنامه‌ریزی درسی، پژوهش‌های برنامه درسی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، ۱ (۳): ۸۶ - ۶۷.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات مدرسه.
- بروجردی، سید حسین (۱۳۸۰)، جامع احادیث الشیعه، قم: المهر.
- بوذرجمهری، فتح‌اله؛ منصوریان، مهسا، هرنندی، یاسمن و بوذرجمهری، حسین (۱۳۹۲)، ارزیابی اخلاق حرفه‌ای اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، ۳ (۸): ۵۲ - ۴۴.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۹)، تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- پورکریمی، جواد؛ احتشام، زهرا، قموشی، زهرا و محسنی، زهرا (۱۳۹۵)، اخلاق حرفه‌ای مدرسان از منظر شهید ثانی: الگویی مفهومی، کنگره بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی: ۲۴ - ۱.
- پورکریمی، جواد؛ قموشی، زهرا؛ احتشام، زهرا و محسنی، زهرا (۱۳۹۶)، اخلاق حرفه‌ای مدرسان: الگویی مفهومی مبتنی بر مطالعات پیشین، مجموعه مقالات همایش دانشگاه اخلاق‌مدار.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مراحل اخلاق در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، انتظار بشر از دین، قم: مؤسسه تبیان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، تفسیر انسان به انسان، نظریه جدید پیرامون معرفت‌شناسی انسان، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی، محمدرضا (۱۳۷۸)، شورا و مسئولیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حاج‌خزیمه، مجتبی (۱۳۹۴)، بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای معلمان و سلامت سازمانی در مدارس ابتدایی پسرانه دولتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حسینی، جواد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای و کیفیت زندگی کاری اعضای هیأت‌علمی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حسینی، نجمه و عباسی، غفت (۱۳۹۱)، راهکارهای نهادینه‌کردن اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها از دیدگاه آموزه‌های دینی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱ (۲): ۱۵۴ - ۱۲۹.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، قابل دستیابی به آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>
- خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۷)، صحیفه نور، ج ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهخدا، علی‌اکبر (بی تا)، لغتنامه دهخدا، ج ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رجبی، محمود (۱۳۹۲) انسان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رحیمی، حمید و آقابابایی، راضیه (۱۳۹۲)، رابطه فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت‌علمی، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۲ (۶): ۶۷ - ۶۲.
- سارتر، ژان پل (۱۳۴۸)، اگزیزستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: مروارید.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن؛ جعفری هرندی، رضا و فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس از دیدگاه دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی قم، دوماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۶ (۷): ۴۰۳ - ۴۰۰.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ نوروززاده، رضا و افشار، عبدالله (۱۳۸۹)، تبیین معیارهای اخلاق کاری از منظر امام علی، پژوهشنامه اخلاق در آموزش عالی، ۶۳: ۱۲۲ - ۹۳.
- سجادی، سیدابراهیم (۱۳۸۸)، قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان، پژوهش‌های قرآنی: ۹۰ - ۱۳۹.
- سلماجقه، آزیتا و صفری، ثنا (۱۳۹۴)، رابطه اخلاق حرفه‌ای با عملکرد استادان دانشگاه، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۳ (۱۰): ۱۰۳ - ۱۱۰.

سلطان‌زاده، وحید؛ امراهی، اکبر و اسم‌حسینی، غلامرضا (۱۳۹۳)، وضعیت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت‌علمی از دیدگاه دانشجویان پرستاری، *دوماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱ (۷): ۲۳ - ۲۰.

شریفی، احمدحسین (۱۳۹۳)، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، تهران: آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدرا).

صفایی‌مقدم، مسعود؛ رحمانی، بهاء‌الدین، پاک‌سرشت، محمدجعفر و مرعشی، سیدمنصور (۱۳۹۵)، مبانی و اصول اخلاق اسلامی: ارتباط معلم با دانش‌آموزان، *مجله پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱ (۶): ۴۵ - ۲۳. طالبی، محمدحسین (۱۳۹۵)، حقیقت انسان از منظر عقل و وحی، *دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی*، ۱۳ (۳۶): ۱۷۷ - ۱۹۶.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوم. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱)، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸)، *الانسان فی الدنيا، انسان از آغاز تا انجام*، ترجمه و تعلیق صادق لاریجانی، به‌کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، *رساله الولایه*، ترجمه و شرح محمدحسین رحیمی، تهران: ستاره قطبی. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۴ق)، *نهایه‌الحکمه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین. عزیززی، نعمت‌اله (۱۳۸۹)، اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی، *راهبرد فرهنگ*، ۲۰۱: ۸ - ۱۷. فراست‌خواه، مقصود (۱۳۸۵)، اخلاق علمی، رمز ارتقای آموزش عالی، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱: ۱۸ - ۱۳.

فرمهبینی فراهانی، محسن و اشرفی، فاطمه (۱۳۹۳)، اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه، *پژوهشنامه علوی*، ۸۶ (۵): ۶۷ - ۱.

فرمهبینی فراهانی، محسن و بهنام‌جام، لیلا (۱۳۹۱)، بررسی میزان رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای آموزش در اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شاهد، *فصلنامه اخلاق در علوم فناوری*، ۱ (۷): ۱۰ - ۱.

فروزنده دهکردی، لطف‌الله و فروغی‌نیا، خورشید (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر دیدگاه‌های انسان‌شناسی اسلامی و غربی بر نظام ارزشی سازمان، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، شماره ۷: ۱۹ - ۴۲.

فروود، داریوش (۱۳۸۹)، اخلاق آکادمیک در آموزش و پژوهش، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۳ (۵): ۴ - ۱.

فکوهی، ناصر (۱۳۹۳)، انسان دانشگاهی ایرانی و مشکل زبان، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ش ۳: ۹۰ - ۱۰۸.

- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹)، تولید علم و علوم انسانی، مشهد: سپیده باوران.
- قراملکی، فرامرز (۱۳۸۱)، اخلاق حرفه‌ای در مدیریت علوی، اندیشه حوزه، ۳۳: ۷۸ - ۶۳.
- قنبری، سیروس؛ اردلان، محمدرضا؛ بهشتی‌راد، رقیه و سلطان‌زاده، وحید (۱۳۹۴)، اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی و رابطه آن با کیفیت آموزش عالی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۲ (۱۰): ۱۲ - ۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، کافی، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحارالانوار، ج ۲، ۷۱، ۷۵، ۶۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی، مسلم و گل‌وردی، مهدی (۱۳۹۱)، مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در سازمان با الگوگرفتن از مبانی دینی، دوفصلنامه اسلام و مدیریت، ۳ (۲): ۱۸۰ - ۱۶۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، نظریه حقوقی اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
- مطلبی‌فرد، علی‌رضا؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم و محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۰)، بررسی و شناسایی نشانگرهای حرفه‌ای و اخلاقی در آموزش و تدریس از نقطه‌نظر دانشجویان کارشناسی ارشد، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۴ (۶): ۹ - ۱.
- مطلبی‌فرد، علی‌رضا؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم؛ لطفی، لیلا و هدیه، محبت (۱۳۹۱)، اخلاق پژوهش در آموزش عالی: ویژگی‌های فردی و مسئولیت‌های حرفه‌ای پژوهشگران، فصلنامه دانش‌شناسی، ۱۹ (۵): ۱۱۵ - ۹۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، فطرت، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۱ ه.ق)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، اخلاق در قرآن، جلد اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع).
- ملکی، حسن (۱۳۹۶)، هویت دینی، برنامه درسی جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی، تهران: آبیژ.
- الموسوی، ابوالحسن محمدبن‌الحسین (سید رضی) (۱۳۷۹)، نهج‌البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، تهران: انتشارات پیام آزادی، چاپ هفتم.
- میرطاهری، لیلا؛ جمالی، اختر و آراسته، حمیدرضا (۱۳۹۴)، بررسی حیطه‌ها و مؤلفه‌های اصلی توسعه و بالندگی اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مقایسه آن با وضع مطلوب، فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، ۴ (۲): ۱۲۶ - ۱۰۱.
- میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۹۲)، فلسفه مدیریت، تهران: یسپرون.
- نابی، هوشنگ و شعبان، مریم (۱۳۹۷)، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر کاهش همکاری علمی بین اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ش ۱: ۱۱۹ - ۹۱.

نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۵)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

نوروزی، حسن؛ کربلایی، حسن؛ محمدی، علی؛ دنیوی، محسن؛ متقیان، محمد و گودرزی، میثم (۱۳۹۱)، تحول در علوم انسانی، جلد ۳، قم: کتاب فردا: ۲۷۷ - ۱۳۴.

نوریان، محمد؛ آتشک، محمد؛ سالم، صدیقه و جمشیدزاده کیسرائی، معصومه (۱۳۹۵)، تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر امکان‌پذیری رعایت اخلاق حرفه‌ای تدریس در دانشگاه‌ها، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱(۱۱): ۹۴ - ۸۵.

واثق غزنوی، قادرعلی (۱۳۹۰)، جایگاه انسان‌شناسی در سازمان و مدیریت از دیدگاه اسلام و غرب، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۲: ۵۰ - ۴۰.

Anonymous (2010). A treasure too valuable to waste: human resource management. Human Resource Management International Digest, Vol 18. Issue: 3, pp.26-29

Maslow, A. H. (1987). Motivation and personality, Publisher: Harper

James, W. (2003). The varieties of religious experience: A study in human nature. Routledge.

Udo - Akang, D. (2013). Ethical orientation for new and prospective researchers. American International Journal of Social Science, 2(1), 54-64.

